

## مدل‌یابی معادلات ساختاری در تبیین رابطه بین طرح‌واره‌های

### ناسازگار اولیه و تمایز یافتگی مراجعان زن متأهل<sup>۱</sup>

دکتر معصومه بهبودی<sup>۲</sup>

#### چکیده

هدف پژوهش حاضر پیش‌بینی تمایز یافتگی بر اساس حوزه‌های طرح‌واره‌های ناسازگار اولیه مراجعان زن متأهل مراکز مشاوره شهر تهران در سال ۱۳۹۰ بود. از این رو تعداد ۲۸۸ زن مراجعه‌کننده به مراکز مشاوره شهر تهران با دامنه سنی ۲۰ تا ۶۴ سال به روش نمونه‌گیری تصادفی چندمرحله‌ای انتخاب شدند، سپس پرسشنامه‌های طرح‌واره‌های اولیه و تمایز یافتگی را تکمیل کردند. تحلیل داده‌ها با استفاده از روش مدل‌یابی معادلات ساختاری نشان داد که در کل پنج حوزه طرح‌واره‌های ناسازگار اولیه ۵۷ درصد از واریانس تمایز یافتگی را پیش‌بینی می‌کند که حوزه‌های بریدگی و طرد، محدودیت‌های مختل و دیگر جهت‌مندی به صورت مثبت تمایز یافتگی را پیش‌بینی کردند و خود گردانی / عملکرد مختل و گوش به زنگی بیش از حد/ بازداری به صورت معناداری تمایز یافتگی را پیش‌بینی نمی‌کند.

#### واژه‌های کلیدی: تمایز یافتگی، طرح‌واره‌های ناسازگار اولیه.

۱. این مقاله برگرفته از طرح پژوهشی با همین عنوان است که بودجه آن از اعتبار معاونت پژوهشی دانشگاه آزاد اسلامی واحد رودهن تأمین شده است.  
۲. استادیار گروه مشاوره دانشگاه آزاد اسلامی واحد رودهن.

## مقدمه

تمایز یافتگی<sup>۱</sup> به میزان توانایی فرد برای تمییز فرایند عقلی از فرایند عاطفی در زندگی خویشتن است (اسکورن<sup>۲</sup>، ۲۰۰۵؛ اسمیت<sup>۳</sup>، ۲۰۰۶) در واقع این مفهوم شامل دو بُعد شناختی و عاطفی است (گیسون<sup>۴</sup> و همکاران، ۲۰۰۶) بوئن<sup>۵</sup>، مفهوم خودتمایزسازی را که سنگ بنای نظریه و خدمت مهم درمانی وی محسوب می‌شود، پایه‌ریزی کرد، تفکری که دربرگیرنده منطقی بین دو نیروی ضد تعادل زندگی در درون خانواده است (اسکورن، ۲۰۰۴). بوئن (۱۹۹۹، ۱۹۹۷) تمایز یافتگی را به‌عنوان یک ساختار چندبُعدی که دربردارنده دو جنبه متفاوت اما مرتبط به هم هستند، مطرح کرد (چونگ<sup>۶</sup> و گیل<sup>۷</sup>، ۲۰۰۶؛ لیچ<sup>۸</sup> و چابوت<sup>۹</sup>، ۲۰۰۶). اولی جنبه درون‌روانی است که به توانایی شخص برای تمییز و تشخیص قایل شدن بین دلیل عقلی و دلیل عاطفی و نیز توانایی برقراری تعادل بین آن‌ها اطلاق می‌شود (اسکورن و اسمیت، ۲۰۰۳). به عبارتی، تمایز در سطح درون‌روانی، توانایی فرد برای تمایز قایل شدن بین افکار و احساسات می‌باشد و انتخاب این که به واسطه عقلش یا به واسطه عواطفش هدایت گردد (کارالیک، ۲۰۰۴؛ به نقل از لیچ و چابوت، ۲۰۰۶). دوم جنبه بین فردی است که به توانایی شخص برای حفظ روابط صمیمانه با سایرین همراه با دستیابی و حفظ خودمختاری و استقلال «خود» اشاره می‌کند (ماشراس<sup>۱۰</sup>، ۲۰۰۸؛ گاندی<sup>۱۱</sup>، ۲۰۰۸). هرچند بوئن به توصیف ابعاد درون‌فردی و بین‌فردی پرداخت؛ اما، اهمیت تئوری‌اش در بُعد درون‌روانی است. چراکه رویکرد درون‌روانی موجب درک کلی از نقش تمایز در رشد فرد و عملکرد خانواده می‌شود (پلگ<sup>۱۲</sup> و پاپکو<sup>۱۳</sup>، ۲۰۰۵؛ بلیر<sup>۱۴</sup> و همکاران، ۲۰۰۱). شکست در تمایز یافتگی، به «آمیختگی عاطفی»<sup>۱۵</sup> و «گسلش عاطفی»<sup>۱۶</sup> منجر می‌شود. وی عدم تعادل در «با هم بودن» را «آمیختگی عاطفی» و عدم تعادل در «فردیت» را «گسلش عاطفی» می‌داند (والش<sup>۱۷</sup>، هاریگان<sup>۱۸</sup>،

1. differentiation of self
2. Skowrn
3. Smith
4. Gibson
5. Bowen
6. Chung
7. Gale
8. Licht
9. Chabot
10. Mushrush
11. Gandy
12. Peleg
13. Popoko
14. . Blair
15. emotional fusion
16. emotional cut off
17. Walsh
18. Harigan

۲۰۰۳؛ هام<sup>۱</sup>، ۲۰۰۵).

بوئن براساس نتایج یافته‌های خود، تمایز یافتگی را در دو سطح پایه‌ای و عملکردی طبقه‌بندی کرده است (والش، هاریگان، ۲۰۰۳). سطح پایه به سطح کلی تمایز یافتگی اشاره دارد که در شرایط معمولی بروز می‌کند و به‌طور معناداری در بزرگسالی ثابت می‌ماند (بوئن، ۱۹۸۷؛ تایتلمن، ۱۹۸۸؛ به نقل از اسکورن، ۲۰۰۵) در حالی که سطح عملکردی میزان تمایز یافتگی فرد را در اینجا و اکنون نشان می‌دهد و ممکن است برحسب شرایط تغییر کند و غالباً در شرایط استرس‌زا مشاهده می‌شود (میلر<sup>۲</sup> و کالا<sup>۳</sup>، ۲۰۰۴؛ براون<sup>۴</sup>، ۱۹۹۹). گریفتین و آپوستال در نتایج پژوهشی خود دریافتند که آموزش روابط، منجر به افزایش سطح عملکردی می‌شود (به نقل از هام، ۲۰۰۵) که اگر این افزایش در طول زمان حفظ شود، موجب افزایش در سطح پایه نیز می‌گردد.

مطالعه ساندیج<sup>۵</sup> و جانکوسکی<sup>۶</sup> (۲۰۱۰) نشان داد که تمایز یافتگی موجب افزایش میزان بخشودگی، معنویت، سلامت روان و رفاه روان‌شناختی در افراد می‌شود. همین‌طور، اسکورن، استنلی<sup>۷</sup> و شاپیرو<sup>۸</sup> (۲۰۰۹) رابطه معنادار و مثبتی بین رفاه روان‌شناختی و تمایز یافتگی یافتند. جنکینز و همکاران (۲۰۰۵) نیز دریافتند که تمایز یافتگی موجب رشد روانی در افراد می‌شود. پژوهش‌های دیگری، بین تمایز یافتگی با اضطراب (گریفتین و آپوستال، ۱۹۹۳)، اعتماد، روابط صمیمی، سطح خجالت‌زدگی و احساس گناه (کرس<sup>۹</sup>، ۲۰۰۷؛ کاورت<sup>۱۰</sup> و همکاران، ۲۰۰۳)، دل‌بستگی (دنیل<sup>۱۱</sup>، ۲۰۰۶) تعارض خانوادگی و ارزش‌های فرهنگی (کیم<sup>۱۲</sup> و سیل<sup>۱۳</sup>، ۲۰۰۵)، سطح همبستگی و انطباق خانوادگی (اسکورن، ۲۰۰۵) سازگاری زناشویی (اسکورن، ۲۰۰۰؛ مک کالوگ<sup>۱۴</sup>، برد<sup>۱۵</sup>، ۲۰۰۵؛ برادبوری<sup>۱۶</sup>، ۲۰۰۸)، صمیمیت (استیلز<sup>۱۷</sup>، ۲۰۰۴) ارتباط یافتند که همگی نشانه‌ی نقش زیربنایی و زمینه‌ای این مفهوم در کل فرایند زندگی در افراد است.

در نهایت مطابق تحقیقات و ادعای بوئن، افرادی که تمایز یافته‌اند، از قدرت انعطاف، انطباق و سازگاری

1. Ham
2. Miller
3. Keala
4. Brown
5. Sandage
6. Jankowski
7. Stanley
8. Shapiro
9. Kurse
10. Covert
11. Daniel
12. Kim
13. Sill
14. Mccullough
15. Byrd
16. Bradbury
17. Stiles

بیشتری برخوردارند (مورداگ و گور، ۲۰۰۴؛ به نقل از اسکورن، ۲۰۰۴). همچنین، قادرند انگیزندگی هیجانی‌شان را تعدیل و کنترل نمایند و تحت فشار روانی، به طرز روشنفکرانه‌تر عمل کنند و می‌توانند در عین حفظ روابط عاطفی، به رشد و استقلال شخصی نیز بپردازند (کر، ۱۹۹۲؛ به نقل از اسکورن، ۲۰۰۳). برعکس افراد نامتمایز کمتر قادرند پاسخ‌های هیجانی‌شان را تعدیل کنند، احساس خشک و نامنعطفی از خود در روابط دارند و به لحاظ هیجانی، واکنش‌پذیرند و در روابط خانوادگی قادر به ایجاد تعادل بین صمیمیت، در عین حال خودمختاری نیستند (بوئن، ۱۹۸۷؛ کر و بوئن، ۱۹۹۸؛ به نقل از اسکورن، ۲۰۰۵).

پژوهش‌های زیادی رابطه بین مفاهیم همپوش با تمایز یافتگی در حوزه‌های طرح‌واره‌های ناسازگار اولیه<sup>۱</sup> را مورد بررسی قرار دادند که نشانگر تأثیر بخش عمده‌ای از این حوزه‌ها با امتزاج یا گسیختگی عاطفی در افراد است (پلک و پاپکو، ۲۰۰۵؛ گیسون و همکاران، ۲۰۰۶؛ لیچ و چابوت، ۲۰۰۶؛ چونگ و گیل، ۲۰۰۹). یانگ (۲۰۰۹) بر پایه تحقیقات متعددی که در این راستا صورت گرفته است، دریافت که طرح‌واره‌های ناسازگار اولیه، الگوها و درون‌مایه‌های عمیق و فراگیری هستند که در درون کودکی تا نوجوانی شکل گرفته‌اند و در بزرگسالی تداوم یافته‌اند، به رابطه فرد با خود و با دیگران مربوط می‌شوند و به شدت ناکارآمد هستند، به‌طور کلی یانگ و همکاران (۲۰۰۶) هجده طرح‌واره را در پنج حوزه مطرح کرده است که در بخش معرفی ابزار پژوهش نام این طرح‌واره‌ها ذکر شده است.

پژوهش‌های دیگری نشان دادند که رابطه فرد با خود و دیگران نشان‌دهنده بخشی از سطح تمایز یافتگی است که با برخی از مفاهیم طرح‌واره‌ها از جمله بریدگی و طرد، خودگردانی و عملکرد مختل، وابستگی و بی‌کفایتی، دیگر جهت‌مندی، محدودیت‌های مختل، خویش‌داری و خود-انضباطی ناکافی، اطاعت و ایثار و بازداری هیجانی همپوشی دارد (پاسکال<sup>۲</sup> و همکاران، ۲۰۰۸). همچنین مؤلفه‌های گسلس عاطفی در تمایز یافتگی با رهاسدگی / بی‌ثباتی، بی‌اعتمادی / بدرفتاری، محرومیت هیجانی، بی‌مهری، انزوای اجتماعی و آسیب‌پذیری نسبت به ضرر یا بیماری، بازداری هیجانی؛ امتزاج با دیگر جهت‌مندی، اطاعت، ایثار، خودگردانی و عملکرد مختل، وابستگی و بی‌کفایتی، خود تحول نیافته و گرفتار همپوشی بالایی دارد (کاستیل<sup>۳</sup> و همکاران، ۲۰۰۷؛ اسکورن و اسمیت، ۲۰۰۳).

از این‌رو پژوهش حاضر قصد دارد نقش حوزه‌های طرح‌واره‌های ناسازگار اولیه را در پیش‌بینی تمایز یافتگی مورد مطالعه قرار دهد. هرچند پژوهش‌های زیادی رابطه بین تمایز یافتگی را با عملکرد زندگی (چونگ گیل، ۲۰۰۹)، رضایت زناشویی (پلگ و پاپکو، ۲۰۰۵؛ مک کالوگ و برد، ۲۰۰۵)، صمیمیت زوجین (شورسن<sup>۴</sup>، ۲۰۰۶)،

1. early maladaptive schemas

2. Pascal

3. Castille

4. Shursen

سلامت روان (چونگ و گیل، ۲۰۰۹)، سطح انطباق عملکرد در اعضای خانواده (اسکورن، ۲۰۰۵)، دلبستگی و تلاش کنترل‌مدار (اسکورن و دندی، ۲۰۰۴) و سبک‌های مقابله‌ای (ماشراش<sup>۱</sup>، ۲۰۰۸) بررسی کردند و همچنین پژوهش‌هایی نیز رابطه بین طرح‌واره‌های ناسازگار اولیه را با دلبستگی ناایمن والدین (ماسون<sup>۲</sup> و همکاران، ۲۰۰۵) خودکم‌بین در تعاملات سازگاران و ناسازگاران<sup>۳</sup> همسران (برادبوری، ۲۰۰۸)، بخشودگی، معنویت و رفاه روان‌شناختی (ساندیج و جانکوسکی، ۲۰۱۰؛ اسکورن و همکاران، ۲۰۰۹)، خاطرات اولیه کودکی (تیلر<sup>۳</sup>، ۲۰۰۵) و دیگر متغیرهایی را بررسی کردند که از حوصله پژوهش حاضر خارج است، ولی هیچ پژوهشی رابطه متغیرهای مذکور را با هم به‌طور مستقیم و در قالب یک مدل مورد مطالعه قرار نداده‌است. به همین دلیل پژوهش حاضر بعد از ترسیم مسیرهای بین متغیرهای پژوهش، مدل ساختاری برای این متغیرها را ترسیم می‌کند.

## روش

جامعه آماری پژوهش حاضر شامل همه زنان متأهل مراجعه‌کننده به مراکز مشاوره شهر تهران در سال ۱۳۹۰ بود. از بین افراد مراجعه‌کننده به مراکز مشاوره در شهر تهران، تعداد ۲۸۸ نفر به روش نمونه‌گیری تصادفی چندمرحله‌ای انتخاب شدند. ۹ نفر از افراد مورد مطالعه به دلیل پاسخ ندادن به بیش از ۵۰ درصد پرسش‌ها قبل از تحلیل داده‌ها کنار گذاشته شدند و در نهایت تعداد ۲۷۹ پاسخ‌نامه تحلیل شد. میانگین سنی افراد مورد مطالعه ۳۷/۰۹ و انحراف استاندارد آن ۸/۶۵ است. جوان‌ترین آن‌ها ۲۰ سال و مسن‌ترین آن‌ها ۶۴ سال سن دارند. سطح تحصیلات ۵/۴ درصد آن‌ها زیر دیپلم، ۲۷/۶ درصد دیپلم، ۳۹/۴ درصد لیسانس، ۲۵/۲ درصد بالاتر از لیسانس و ۳/۲ درصد نیز پاسخ ندادند. شغل ۴۴/۱ درصد از آن‌ها خانه‌دار، ۱۴/۷ درصد معلم، ۳۰/۱ درصد کارمند و ۱۱/۱ درصد پاسخ ندادند. متوسط طول دوران ازدواج آن‌ها ۱۴/۴۱ سال با انحراف استاندارد ۳/۲۳ سال است.

## ابزار پژوهش

### ۱- پرسشنامه طرح‌واره یانگ- فرم کوتاه (YSQ-S)

پرسشنامه طرح‌واره یانگ (یانگ، ۲۰۰۹) ابزاری خودگزارش‌دهی برای سنجش طرح‌واره‌هاست. این فرم شامل ۷۵ سؤال است که نمره گذاری آن در یک مقیاس ۶ درجه‌ای با طیف لیکرتی نمره‌گذاری می‌شود. این پرسشنامه ۱۵ طرح‌واره ناسازگار اولیه را در قالب ۵ حوزه مورد بررسی قرار می‌دهد. هر طرح‌واره توسط پنج سؤال ارزیابی می‌شود. بنابراین، دامنه نمرات هر طرح‌واره، بین ۵ تا ۳۰ است. نمره بیشتر از ۱۵ مؤید وجود آن طرح‌واره در شخص پاسخ‌دهنده است (یانگ و همکاران، ۲۰۰۳). این پرسش‌نامه با مقیاس‌های ناراحتی روان‌شناختی،

1. Mushrush  
2. Mason  
3. Theiler

احساس ارزشمندی، آسیب‌پذیری شناختی نسبت به افسردگی و نشانه‌شناسی اختلالات شخصیت، روایی همگرا و افتراقی خوبی را نشان داد (فارل و همکاران، ۲۰۰۹). نتایج پژوهش‌های دیگر نیز روایی طرح‌واره‌های مدل یانگ را تأیید کردند (سسرو، نلسون و جیلی، ۲۰۰۴). یانگ (۲۰۰۶) هجده طرح‌واره را - در مطالعات آغازین خویش - به پنج حوزه متمایز طبقه‌بندی نمود که عبارتند از: حوزه اول: بریدگی و طرد<sup>۱</sup>؛ ۱- رهاشدگی / بی‌ثباتی<sup>۲</sup>، ۲- بی‌اعتمادی / بدرفتاری<sup>۳</sup>، ۳- محرومیت هیجانی<sup>۴</sup>، ۴- نقص / شرم<sup>۵</sup>، ۵- انزوای اجتماعی / بیگانگی<sup>۶</sup>. حوزه دوم: خودگردانی و عملکرد مختل<sup>۷</sup>؛ ۶- وابستگی / بی‌کفایتی<sup>۸</sup>، ۷- آسیب‌پذیری نسبت به ضرر یا بیماری<sup>۹</sup>، ۸- خود تحول‌نیافته / گرفتار<sup>۱۰</sup>، ۹- شکست<sup>۱۱</sup>. حوزه سوم: محدودیت‌های مختل<sup>۱۲</sup>؛ ۱۰- استحقاق / بزرگ‌منشی<sup>۱۳</sup>، ۱۱- خویش‌داری / خود- انضباطی ناکافی<sup>۱۴</sup>، حوزه چهارم: دیگر جهت‌مندی<sup>۱۵</sup>، ۱۲- اطاعت<sup>۱۶</sup>، ۱۳- ایثار<sup>۱۷</sup>، ۱۴- پذیرش‌جویی / جلب توجه<sup>۱۸</sup>، حوزه پنجم: گوش به زنگی بیش از حد و بازداری<sup>۱۵</sup>؛ ۱۵- منفی‌گرایی / بدبینی<sup>۱۹</sup>، ۱۶- بازداری هیجانی<sup>۲۰</sup>، ۱۷- معیارهای سرسختانه / عیب‌جویی افراطی<sup>۲۱</sup>، ۱۸- تنبیه<sup>۲۲</sup>.

در این پژوهش به‌منظور اطمینان از روایی ساختار پنج‌حوزه‌ای طرح‌واره یانگ (۲۰۰۶) تحلیل عاملی تأییدی به‌کار گرفته شد. نتایج نشان داد با ایجاد کوواریانس بین خطاهای متغیرهای «انزوای اجتماعی» و «تمایز یافتگی» از یک سو و «شکست» و «بازداری هیجانی» T از سوی دیگر شاخص‌های برازندگی قابل قبولی به‌دست می‌آید (CFI = ۰/۹۴۵، AGFI = ۰/۸۶۹، GFI = ۰/۹۱۵، RMSEA = ۰/۲۳۷،  $\chi^2/df = ۲۳۷/۲۱۳$ ). این شاخص‌های برازندگی براساس ملاک‌های یانگ و همکاران (۲۰۰۹) قابل قبول است. براین

1. Disconnection & Rejection
2. Abandonment / Instability
3. Mistrust / Abuse
4. Emotional Deprivation
5. Defectiveness / Shame
6. Social Isolation / Alienation
7. Impaired Autonomy & Performance
8. Dependence / Incompetence
9. Vulnerability to Harm or illness
10. Enmeshment / undeveloped self
11. Failure
12. Impaired Limits
13. Entitlement / Grandiosity
14. Insufficient self - control / self - Discipline
15. Other Directedness
16. Subjugation
17. self-sacrifice
18. Approval seeking / Recognition seeking
19. Negativity / Pessimism
20. Emotional Inhibition
21. Unrelenting Standards / HyPercriticalness
22. Punitiveness

اساس می‌توان طرح‌واره‌های یانگ را، یک ساختار پنج عاملی تلقی نمود. این یافته دیدگاه یانگ مبنی بر پنج حوزه‌ای بودن پرسشنامه طرح‌واره‌های ناسازگار را مورد تأیید قرار می‌دهد.

با توجه به این که پرسشنامه طرح‌واره‌ها شامل ۷۵ سؤال و ۱۵ عامل است، بنابراین استفاده از سؤالات به‌عنوان متغیرهای مشاهده شده و به کار بردن ۱۵ متغیر مکنون در تکنیک مدل‌یابی معادلات ساختاری برای پیش‌بینی متغیر تفکیک خود، باعث پیچیدگی بیش از حد مدل خواهد شد. از آنجا که پیچیدگی مدل و تعداد بسیار زیاد متغیرهای مکنون و مشاهده شده منجر به کوچک‌تر شدن شاخص‌های برازندگی مدل می‌شود، به‌همین علت پژوهش حاضر ساختار پنج عاملی آن را در تبیین خود متمایزسازی مورد بررسی قرار داده است.

در این پژوهش به‌منظور بررسی پایایی خرده‌مقیاس‌های ۱۵ گانه طرح‌واره ناسازگار اولیه از روش آلفای کرونباخ استفاده شد که ضرایب پایایی برای طرح‌واره‌های محرومیت هیجانی (ED) ۰/۸۷۶، رهاشدگی / بی‌ثباتی (AB) ۰/۸۶۶، بی‌اعتمادی / بدرفتاری (MA) ۰/۷۸۶، انزوای اجتماعی / بیگانگی (SI) ۰/۸۲۵، نقص / شرم (DS) ۰/۸۶۰، شکست (FA) ۰/۸۹۳، وابستگی / بی‌کفایتی (DI) ۰/۸۷۶، آسیب‌پذیری در برابر ضرر و بیماری (VH) ۰/۸۷۸، خود تحول نیافته / گرفتار (EM) ۰/۸۳۵، اطاعت (SB) ۰/۸۷۵، ایثار (SS) ۰/۸۲۳، بازداری هیجانی (EI) ۰/۷۹۰، معیارهای سرسختانه (Us) ۰/۸۲۰، استحقاق (ET) ۰/۷۴۱ و خویشنداری / خودانضباطی ناکافی (IS) ۰/۷۳۴ به‌دست آمد و نشان از پایایی مناسب خرده‌مقیاس‌های این ابزار است.

## ۲- پرسشنامه خودمتمایزسازی (DSI-R)

فرم اولیه این پرسش‌نامه توسط اسکورون و فرید لندر (۱۹۹۸) تهیه شده و آزمون نهایی توسط جکسون در ۴۶ سؤال بر مبنای نظریه بوون ساخته شده است. این پرسش‌نامه به صورت خودگزارشی است و به‌منظور سنجش تمایز یافتگی افراد به کار می‌رود و تمرکز اصلی آن روی ارتباطات مهم زندگی و روابط افراد با خانواده اصلی است (به نقل از اسکورون، ۲۰۰۳). این پرسش‌نامه در سال ۲۰۰۳ توسط اسکورون و اسمیت مورد تجدیدنظر قرار گرفته است. نمره‌گذاری این پرسش‌نامه در یک مقیاس ۶ درجه‌ای با طیف لیکرتی به صورت ۱ (اصلاً در مورد من صحیح نیست) تا ۶ (کاملاً در مورد من صحیح است) نمره‌گذاری شده است. مقیاس خودمتمایزسازی شامل چهار خرده‌مقیاس واکنش هیجانی<sup>۱</sup> (ER)، گسلس عاطفی<sup>۲</sup> (EC)، موقعیت مواضع شخصی<sup>۳</sup> (IP) و آمیختگی با دیگران<sup>۴</sup> (FO) می‌باشد (اصلائی، ۱۳۸۸). پایایی این پرسش‌نامه با استفاده از روش آلفای کرونباخ توسط اسکورون و فرید لندر ۰/۸۸ گزارش شده است. در پژوهش حاضر نیز ضریب آلفای کرونباخ برای عامل‌های گسلس عاطفی ۰/۷۷، موقعیت من ۰/۷۶، واکنش هیجانی ۰/۸۱ و آمیختگی با دیگران

1. Emotional Reaction
2. Emotional Cutoff
3. I Position
4. Fusion with Others

۰/۸۱ به دست آمد که نشان از پایداری مناسب این پرسش نامه است.

### روش اجرا

پس از آماده سازی پرسش نامه های پژوهش و مشخص شدن گروه نمونه، با هماهنگی انجام شده با مراکز مشاوره تعیین شده در گروه نمونه طی روزهای متمادی در هر یک از مراکز، پرسش نامه ها بین زنان متأهل مراجعه کننده به آن مراکز توزیع شد. اما قبل از توزیع پرسش نامه ها، اهمیت مشارکت کاملاً داوطلبانه در این پژوهش به پاسخگویان گوشزد شد. پس از توزیع پرسش نامه ها به طور فردی، پژوهشگر دستورالعمل اجرا و هدف پژوهش را برای اجرای بهتر گویه های پرسش نامه به هر یک از آزمودنی ها توضیح داد. در جریان اجرای پرسش نامه به سؤالات آزمودنی ها با دقت کامل پاسخ داده شد. در نهایت پس از اجرای کامل پرسش نامه ها توسط کل آزمودنی ها، داده های گردآوری شده توسط نرم افزار AMOS در رایانه تحلیل شد. در پژوهش حاضر به منظور تحلیل داده ها و پاسخ به پرسش های پژوهش از روش مدل یابی معادلات ساختاری بعد از تحلیل عاملی تأییدی - در قسمت مدل اندازه گیری - در قسمت مدل معادله ساختاری روابط علی موجود میان متغیرهای مکنون مورد بررسی قرار گرفت. در قسمت مدل تابع ساختاری شدت روابط علی (مستقیم، غیرمستقیم و کل) میان متغیرهای مکنون و مقدار واریانس تبیین شده در کل مدل مشخص شده است.

### یافته ها

جدول (۱) همبستگی بین متغیرها، میانگین و انحراف استاندارد هر یک از متغیرهای مشاهده شده را نشان می دهد.



جدول ۱: ماتریس همبستگی متغیرهای پژوهش

	۱	۲	۳	۴	۵	۶	۷	۸	۹	۱۰	۱۱	۱۲	۱۳	۱۴	۱۵	۱۶	۱۷	۱۸	۱۹	
IP, <sup>۱</sup>	۱																			
ER, <sup>۲</sup>	۰/۵۵۲**	۱																		
EC, <sup>۳</sup>	۰/۴۴۱**	۰/۴۳۸**	۱																	
FO, <sup>۴</sup>	۰/۵۳۱**	۰/۶۵۹**	۰/۴۸۲**	۱																
ABAN, <sup>۵</sup>	-۰/۴۴۹**	-۰/۵۱۸**	-۰/۴۴۲**	-۰/۴۴۴**	۱															
MIST, <sup>۶</sup>	-۰/۴۴۷**	-۰/۴۴۴**	-۰/۴۰۲**	-۰/۳۷۶**	۰/۵۵۶**	۱														
SUBJU, <sup>۷</sup>	-۰/۴۳۰**	-۰/۳۷۵**	-۰/۳۰۷**	-۰/۴۱۸**	۰/۴۳۶**	۰/۴۱۶**	۱													
SELF, <sup>۸</sup>	-۰/۴۳۸**	-۰/۴۰۴**	-۰/۱۳۳*	-۰/۱۶۵**	۰/۴۲۰**	۰/۴۳۳**	۰/۴۶۵**	۱												
EMOT, <sup>۹</sup>	-۰/۴۴۲**	-۰/۳۲۱**	-۰/۳۹۸**	-۰/۲۱۲**	۰/۴۰۱**	۰/۴۷۸**	۰/۴۳۶**	۰/۱۱۳*	۱											
SOCAL, <sup>۱۰</sup>	-۰/۴۵۵**	-۰/۳۱۷**	-۰/۴۱۰**	-۰/۲۸۰**	۰/۴۶۱**	۰/۴۶۳**	۰/۳۲۸**	۰/۲۱۰**	۰/۵۱۰**	۱										
DEPEN, <sup>۱۱</sup>	-۰/۴۴۲**	-۰/۴۷۲**	-۰/۳۸۲**	-۰/۴۱۲**	۰/۳۷۷**	۰/۴۹۳**	۰/۳۷۷**	۰/۳۶۸**	۰/۳۸۸**	۰/۴۸۲**	۱									
EMOTimb, <sup>۱۲</sup>	-۰/۴۰۸**	-۰/۱۷۹**	-۰/۳۳۷**	-۰/۱۶۶**	۰/۳۱۸**	۰/۳۳۷**	۰/۲۰۵**	۰/۱۳۹*	۰/۳۲۰**	۰/۳۳۷**	۰/۲۰۹**	۱								
UNREL, <sup>۱۳</sup>	-۰/۴۵۸**	-۰/۳۶۵**	-۰/۲۱۲**	-۰/۱۹۲**	۰/۳۳۷**	۰/۳۵۸**	۰/۳۴۴**	۰/۲۳۹**	۰/۲۰۷**	۰/۲۵۲**	۰/۱۴۴**	۰/۵۸۲**	۱							
INSU, <sup>۱۴</sup>	-۰/۴۶۴**	-۰/۳۵۵**	-۰/۳۸۲**	-۰/۱۹۲**	۰/۴۱۱**	۰/۴۱۸**	۰/۲۵۶**	۰/۲۴۶**	۰/۳۲۰**	۰/۴۰۹**	۰/۴۱۱**	۰/۱۹۱**	۰/۳۳۰**	۱						
ENTIT, <sup>۱۵</sup>	-۰/۴۴۵**	-۰/۳۶۸**	-۰/۳۲۰**	-۰/۳۲۲**	۰/۳۳۱**	۰/۴۰۱**	۰/۳۱۸**	۰/۳۱۸**	۰/۲۷۲**	۰/۳۸۲**	۰/۲۷۸**	۰/۲۲۴**	۰/۲۸۵**	۰/۵۳۱**	۱					
ENME, <sup>۱۶</sup>	-۰/۴۰۰**	-۰/۳۳۳**	-۰/۳۴۳**	-۰/۴۳۹**	۰/۴۷۰**	۰/۴۰۳**	۰/۳۶۱**	۰/۳۷۴**	۰/۲۲۰**	۰/۴۰۶**	۰/۵۸۸**	۰/۲۶۴**	۰/۱۹۳**	۰/۳۱۴**	۰/۳۵۰**	۱				
FAL, <sup>۱۷</sup>	-۰/۴۵۸**	-۰/۳۶۵**	-۰/۳۷۱**	-۰/۳۰۳**	۰/۴۳۱**	۰/۴۱۱**	۰/۳۲۸**	۰/۲۲۱**	۰/۳۴۳**	۰/۵۰۰**	۰/۲۶۶**	۰/۲۳۶**	۰/۱۲۷**	۰/۲۰۵**	۰/۲۲۱**	۰/۵۴۱**	۱			
VULN, <sup>۱۸</sup>	-۰/۴۵۸**	-۰/۴۵۲**	-۰/۳۲۰**	-۰/۳۲۲**	۰/۴۱۳**	۰/۴۵۹**	۰/۳۵۰**	۰/۲۰۵**	۰/۳۰۱**	۰/۴۳۷**	۰/۶۳۵**	۰/۲۰۷**	۰/۱۷۶**	۰/۳۳۵**	۰/۲۵۹**	۰/۵۶۳**	۰/۶۱۳**	۱		
DEFEN, <sup>۱۹</sup>	-۰/۴۳۲**	-۰/۳۹۷**	-۰/۴۵۰**	-۰/۳۵۸**	۰/۴۴۳**	۰/۴۵۶**	۰/۳۳۹**	۰/۱۹۱**	۰/۴۴۲**	۰/۳۷۳**	۰/۵۶۷**	۰/۲۰۳**	۰/۱۹۹**	۰/۴۴۲**	۰/۳۹۹**	۰/۴۰۹**	۰/۵۹۹**	۰/۵۵۶**	۱	
میانگین	۳/۶	۳	۳/۸	۳/۲۸	۳/۶۶	۳/۴۹	۳/۱۸	۳/۱۷	۳/۲۶	۱/۹	۱/۵۵	۳/۷۸	۳/۵۵	۲/۴۴	۳/۰۴	۳/۱۱	۲/۰۶	۳	۳/۶	
انحراف استاندارد	۰/۸۹	۰/۸۱	۰/۷۷	۰/۷۱۱	۱/۳۲	۱/۰۸	۱/۲	۱/۳۳	۱/۳۳	۰/۹۹	۰/۸۳	۱/۳۳	۱/۳۴	۱/۱۶	۱/۱۲	۱/۱۶	۱/۱۶	۱/۱۹	۰/۸۱	

\*P < ۰/۰۵ و \*\*P < ۰/۰۱

همچنان که گفته شد هدف پژوهش حاضر پیش‌بینی تفکیک خود با استفاده از حوزه‌های پنج‌گانه طرح واره‌های ناسازگار اولیه می‌باشد و به این منظور از تکنیک مدل‌یابی معادلات ساختاری استفاده شده است. بدین صورت که ابتدا با استفاده از تحلیل عاملی تأییدی، شاخص‌های برازندگی مدل اندازه‌گیری پژوهش مورد بررسی قرار گرفت و در ادامه به منظور آزمون مدل ساختاری، مدل‌یابی معادلات ساختاری به کار گرفته شد.

در پژوهش حاضر مدل اندازه‌گیری شامل شش متغیر مکنون است که در کل به‌وسیله ۱۹ متغیر مشاهده شده اندازه‌گیری می‌شوند. متغیر مکنون اول بریدگی و طرد نام دارد که متغیرهای مشاهده شده رهاشدگی/ بی‌ثباتی، بی‌اعتمادی/ بدرفتاری، محرومیت هیجانی، نقص/ شرم و انزوای اجتماعی/ بیگانگی آن را اندازه‌گیری می‌کنند. متغیر مکنون دوم خودگردانی و عملکرد مختل نام گذاری شده است که متغیرهای مشاهده شده وابستگی/ بی‌کفایتی، آسیب‌پذیری نسبت به ضرر یا بیماری، خود تحول‌نیافته/ گرفتار و شکست آن را اندازه‌گیری می‌کنند. متغیر مکنون سوم محدودیت‌های مختل نام دارد که به‌وسیله متغیرهای مشاهده استحقاق/ بزرگ‌منشی، خویش‌داری/ خود-انضباطی ناکافی اندازه‌گیری می‌شود. متغیر مکنون چهارم دیگر جهت‌مندی نام دارد که اطاعت، ایثار و پذیرش‌جویی/ جلب توجه نشانگرهای آن محسوب می‌شوند، متغیر مکنون پنجم: گوش به زنگی بیش از حد و بازداری نام دارد که به‌وسیله بازداری هیجانی و معیارهای سرسختانه/ عیب‌جویی افراطی سنجیده می‌شوند. و متغیر مکنون ششم تمایز خود است که به‌وسیله متغیرهای مشاهده شده واکنش هیجانی (ER)، گسلس عاطفی (EC)، موقعیت مواضع شخصی، (IP) و آمیختگی با دیگران (FO) سنجیده می‌شود.

نتایج تحلیل عاملی تأییدی نشان داد میزان کای اسکوئر به‌دست آمده  $P < 0.05$ ،  $df = 135$ ،  $346/939$ ،  $X^2(N = 279)$  نشانگر عدم برازش مناسب مدل با داده‌هاست. با توجه به این که شاخص کای اسکوئر نسبت به حجم نمونه حساس بوده و حجم نمونه بالا منجر به حصول شاخص کای اسکوئر بالا می‌شود، به همین جهت دیگر شاخص‌های برازندگی از قبیل نسبت کای اسکوئر به درجه آزادی  $(X^2/df)$ ، جذر برآورد واریانس خطای تقریب<sup>۱</sup> (RMSEA)، شاخص برازندگی تطبیقی<sup>۲</sup> (CFI)، شاخص برازندگی<sup>۳</sup> (GFI) و شاخص تعدیل‌شده برازندگی<sup>۴</sup> (AGFI) مورد بررسی قرار گرفت و ملاحظه شد که شاخص‌های برازندگی به‌دست آمده منطبق بر ملاک‌های جانگ و همکاران (۲۰۰۹) است (CFI=۰/۹۱۸، AGFI=۰/۸۵۵، GFI=۰/۹۰۷،  $X^2/df=2/57$ ، RMSEA=۰/۰۷۵). این شاخص‌ها بیانگر آن هستند که متغیرهای مکنون پژوهش حاضر به‌صورت قابل قبولی به‌وسیله نشانگرهای خود سنجیده می‌شوند.

1. Root Mean Square Error of Approximation (RMSEA)

2. Comparative Fit Index (CFI)

3. Goodness of Fit Index (GFI)

4. Adjusted Goodness of Fit Index (AGFI)

جدول (۲) برآورد پارامتر استاندارد نشده<sup>۱</sup>، پارامتر استاندارد شده<sup>۲</sup>، خطای استاندارد و نسبت بحرانی را برای هر یک از نشانگرها نشان می‌دهد.

جدول ۲: پارامترهای مدل اندازه‌گیری در تحلیل عاملی تأییدی

متغیرهای مکنون - نشان گر	پارامتر استاندارد نشده	پارامتر استاندارد شده	خطای استاندارد	نسبت بحرانی
بریدگی و طرد - تمایز یافتگی	۱/۰۰۰	۰/۷۰۲		
بریدگی و طرد - انزوای اجتماعی	۱/۳۳۳	۰/۷۶۵	۰/۰۸۱	۱۶/۵۵۱***
بریدگی و طرد - محرومیت هیجانی	۱/۳۸۴	۰/۵۸۶	۰/۱۵۴	۸/۹۷۲***
بریدگی و طرد - بی‌اعتمادی	۱/۵۳۴	۰/۸۰۰	۰/۱۳۰	۱۱/۸۷۱***
بریدگی و طرد - رهاشدگی	۱/۶۰۰	۰/۷۱۵	۰/۱۵۰	۱۰/۷۰۳***
خودگردانی مختل - آسیب‌پذیری نسبت به ضرر یا بیماری	۱/۰۰۰	۰/۷۴۷		
خودگردانی مختل - وابستگی	۱/۰۶۱	۰/۸۷۸	۰/۰۷۳	۱۴/۵۷۴***
خودگردانی مختل - شکست	۱/۱۳۲	۰/۸۵۷	۰/۰۷۹	۱۴/۳۱۳***
خودگردانی مختل - خود تحول نیافته	۰/۸۵۸	۰/۶۹۰	۰/۰۷۶	۱۱/۳۵۵***
محدودیت‌های مختل - خود انضباتی ناکافی	۱/۰۰۰	۰/۷۳۹		
محدودیت‌های مختل - بزرگ‌منشی	۰/۹۲۸	۰/۷۱۸	۰/۱۰۳	۹/۱۵۱***
گوش به زنگی بیش از حد - معیارهای سرسختانه	۱/۰۰۰	۰/۷۶۸		
گوش به زنگی بیش از حد - بازداری هیجانی	۰/۹۷۶	۰/۷۵۷	۰/۱۳۲	۷/۴۲۱***
دیگر جهت‌مندی - ایثار	۱/۰۰۰	۰/۵۵۳		
دیگر جهت‌مندی - اطاعت	۱/۵۷۴	۰/۸۹۵	۰/۲۴۰	۶/۵۵۵***
تمایز یافتگی - موقعیت شخصی	۱/۰۰۰	۰/۷۷۱		
تمایز یافتگی - گسلس عاطفی	۱/۱۶۶	۰/۷۸۵	۰/۰۹۳	۱۲/۵۲۸***
تمایز یافتگی - واکنش عاطفی	۰/۸۸۰	۰/۶۲۴	۰/۰۸۹	۹/۹۲۵***
تمایز یافتگی - آمیختگی با دیگران	۱/۱۷۰	۰/۷۲۰	۰/۱۰۱	۱۱/۵۲۷***

\*\*\*P < ۰/۰۱

**نکته:** چون بارهای عاملی بریدگی و طرد، آسیب‌پذیری نسبت به ضرر یا بیماری، معیارهای سرسختانه، ایثار و موقعیت شخصی با عدد یک تثبیت شده، خطای استاندارد و نسبت بحرانی برای آزمون معناداری آن محاسبه نشده است.

همچنان که در جدول (۲) دیده می‌شود بالاترین بار عاملی استاندارد متعلق به اطاعت و پایین‌ترین بار عاملی متعلق به ایثار است. بنابراین دامنهٔ بارهای عاملی در مدل اندازه‌گیری پژوهش حاضر بین ۰/۸۹۵ - ۰/۵۵۳ است

1. unstandardized parameters
2. standardized parameters

که با توجه به دیدگاه تاباچینک و فیدل<sup>۱</sup> (۲۰۰۷) این بارهای عاملی عالی و خیلی خوب محسوب می‌شود. در کل بررسی شاخص‌های برازندگی و بارهای عاملی مدل اندازه‌گیری پژوهش حاضر بیانگر آن است که متغیرهای مکنون پژوهش حاضر به صورت مطلوب به وسیله نشانگرها اندازه‌گیری می‌شود. برازش قابل قبول مدل اندازه‌گیری در مدلیابی معادلات ساختاری بسیار حیاتی است، چرا که برازش مناسب مدل اندازه‌گیری با داده‌ها، مجوز بررسی مدل ساختاری را صادر می‌کند.

پس از اطمینان از این مطلب که متغیرهای مکنون پژوهش به صورت شایسته‌ای به وسیله نشانگرها اندازه‌گیری می‌شود، چگونگی برازش مدل کلی با داده‌ها مورد بررسی قرار گرفت. در مدل ساختاری چنین فرض شده است که متغیرهای مکنون بریدگی و طرد، خودگردانی و عملکرد مختل، محدودیت‌های مختل، گوش به زنگی بیش از حد و دیگرجهت‌مندی در قالب یک مدل می‌توانند بخش معناداری از واریانس متغیر تفکیک خود را تبیین کند. برای آزمون این فرض از تکنیک مدلیابی معادلات ساختاری استفاده شد.

بررسی شاخص‌های برازندگی حاصل از تحلیل در بخش مدل ساختاری که با استفاده از تکنیک مدلیابی معادلات ساختاری انجام شد. بررسی شاخص‌های برازندگی حاصل از آزمون مدل ساختاری نشان داد که شاخص‌های به دست آمده مشابه با شاخص‌هایی است که در بررسی مدل اندازه‌گیری به دست آمده است. علت این تشابه آن است که تعداد نشانگرها، متغیرهای مکنون، مسیرها (شامل بارهای عاملی، کوواریانس‌ها و ضرایب مسیر) در هر دو مدل اندازه‌گیری و ساختاری یکسان است. به همین دلیل نگارنده به بررسی شاخص‌های برازندگی مدل ساختاری نپرداخته است.

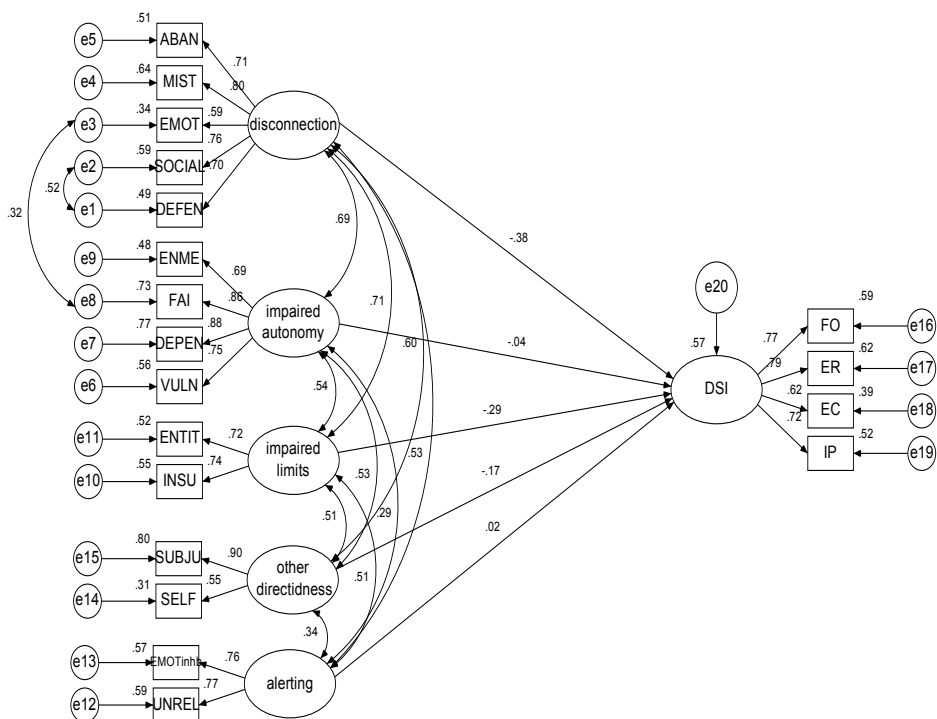
جدول (۳) ضرایب مسیر استاندارد، ضرایب مسیر استاندارد نشده، خطای استاندارد و نسبت بحرانی آن‌ها را در مدل ساختاری نشان می‌دهد.

جدول ۳: ضرایب مسیر، خطای استاندارد و نسبت بحرانی در مدل ساختاری

نسبت بحرانی	خطای استاندارد	پارامتر استاندارد شده	پارامتر استاندارد نشده	
-۲/۹۱۹**	۰/۱۲۷	-۰/۳۸۳	-۰/۳۷۰	بریدگی و طرد- تمایز یافتگی
-۰/۴۱۲	۰/۰۵۴	-۰/۰۳۶	-۰/۰۲۲	محدودیت‌های مختل- تمایز یافتگی
-۲/۵۸**	۰/۰۷۲	-۰/۲۹۲	-۰/۱۸۵	خودگردانی و عملکرد مختل- تمایز یافتگی
-۲/۱۱۵*	۰/۰۶۵	-۰/۱۷۱	-۰/۱۳۷	دیگر جهت‌مندی- تمایز یافتگی
۰/۱۹۱	۰/۰۴۶	۰/۰۱۵	۰/۰۰۹	گوش به زنگی بیش از حد- تمایز یافتگی

\*\*P < ۰/۰۱

همچنان که در جدول فوق ملاحظه می‌شود، از بین پنج ضریب مسیر بین عامل‌های طرح واره‌های ناسازگار اولیه و تمایز یافتگی، ضریب مسیر بین بریدگی و طرد و تمایز یافتگی و محدودیت‌های مختل و تمایز یافتگی در سطح  $0/01$  و ضریب مسیر بین دیگر جهت‌مندی و تمایز یافتگی در سطح  $0/05$  معنادار است و دو ضریب مسیر دیگر به لحاظ آماری معنادار نیستند. این بدان معناست که تغییر در عامل‌های محدودیت‌های مختل و دیگر جهت‌مندی و بریدگی و طرد تغییرات معناداری را در متغیر تمایز یافتگی ایجاد می‌کند و تغییر در دو عامل دیگر طرح واره‌های ناسازگار اولیه، تغییر معناداری در تمایز یافتگی ایجاد نمی‌کند. همچنین شایان ذکر است که در کل پنج عامل سازه طرح واره‌های ناسازگار اولیه ۵۷ درصد از واریانس تمایز یافتگی را تبیین می‌کند. شکل (۱) پارامترهای مدل کامل را با استفاده از داده‌های استاندارد شده نشان می‌دهد.



شکل ۱: برآورد پارامترها با استفاده از داده‌های استاندارد شده

## بحث و نتیجه‌گیری

محاسبه و تحلیل شاخص‌های برازندگی مدل پژوهش نشان داد که مدل تدوین شده براساس پنج متغیر مکنون که در آن حوزه‌های بریدگی و طرد، خودگردانی و عملکرد مختل، محدودیت‌های مختل، دیگر جهت‌مندی

و گوش به‌زنگی بیش از حد و بازداری هیجانی با پانزده خرده‌مقیاس، پیش‌بینی‌کننده‌های متغیرهای مکنون تمایز‌یافتگی هستند که با داده‌های گردآوری شده به‌خوبی برازش دارد و متغیرهای طرح‌واره‌ها، در مجموع ۵۷ درصد از واریانس تمایز‌یافتگی را تبیین نموده است که حوزه‌های بریدگی و طرد، خودگردانی و عملکرد مختل و دیگر جهت‌مندی، رابطه معناداری با تمایز‌یافتگی به‌دست آورد. این یافته، با نتایج پژوهش‌هایی که در تبیین طرح‌واره‌های ناسازگار اولیه نقش تمایز‌یافتگی را برجسته ساخته‌اند، همسو است که به ذکر برخی از آن‌ها در زیر پرداخته می‌شود (بال<sup>۱</sup> و سرو<sup>۲</sup>، ۲۰۰۱؛ برادبوری، ۲۰۰۸؛ کوکرم، ۲۰۰۹؛ لوملی<sup>۳</sup> و هارکنس<sup>۴</sup>، ۲۰۰۷؛ تیم، ۲۰۱۰؛ هریس<sup>۵</sup> و کورتین<sup>۶</sup>، ۲۰۰۲؛ موریس<sup>۷</sup>، ۲۰۰۶؛ موردگ و گور، ۲۰۰۴؛ پلگ - پاپکو، ۲۰۰۲؛ اسکورن و همکاران، ۲۰۰۹؛ ساندریج و جانکوسکی، ۲۰۱۰؛ گرفتن و آپوستان، ۱۹۹۳؛ کروس، ۲۰۰۷؛ والش و هاریگان، ۲۰۰۳؛ شارسن، ۲۰۰۶؛ موردگ و گور، ۲۰۰۴؛ جیل<sup>۸</sup>، ۲۰۰۸).

یکی از دلایلی که از سوی پژوهشگران برای ارتباط قوی بین برخی از حوزه‌های طرح‌واره‌های ناسازگار اولیه و تمایز‌یافتگی عنوان شده، این است که این دو سازه همپوشی مفهومی بالایی با یکدیگر دارند. به‌عنوان مثال، خرده‌مقیاس‌های حوزه‌های طرح‌واره‌های ناسازگار اولیه، از جهتی با جنبه بین‌فردی تمایز‌یافتگی که به توانایی شخص برای حفظ روابط صمیمانه با سایرین همراه با دستیابی و حفظ خودمختاری و استقلال «خود» اشاره می‌کند و جنبه درون‌فردی که به توانایی شخص برای تمییز و تشخیص قائل شدن بین دلیل عقلی و دلیل عاطفی و نیز توانایی برقراری تعادل بین آن‌ها اطلاق می‌شود، همپوشی دارد (اسکورن و اسمیت، ۲۰۰۳؛ بوئن، ۱۹۷۸؛ کارالیک، ۲۰۰۴؛ به نقل از لیچ و چابوت، ۲۰۰۶). به‌طور مثال در گویه واکنش عاطفی، افراد تمایز‌نیافته، تمایل دارند به محرک‌های محیطی بر مبنای پاسخ‌های عاطفی خودکار، طغیان‌های هیجانی، تغییرپذیری یا بی‌ثباتی هیجانی (چونگ و گیل، ۲۰۰۶) واکنش نشان دهند. این متغیر با حوزه اول طرح‌واره‌ها در خرده‌مقیاس‌های بی‌اعتمادی/بدرفتاری، محرومیت هیجانی (یانگ و همکاران، ۲۰۰۳)، حوزه دوم، در خرده‌مقیاس‌های آسیب‌پذیری نسبت به ضرر یا بیماری و حوزه سوم در خرده‌مقیاس‌های خوشتن‌داری/خود-انضباطی ناکافی همپوشی دارد. همین‌طور افراد نامتمایز در مقیاس گسلس عاطفی به‌طور عمیقی صمیمیت را تهدیدآمیز می‌یابند و خودشان را همانند احساساتشان از دیگران و عواطف آن‌ها به‌طور عمیقی صمیمیت را تهدیدآمیز می‌یابند و خودشان را همانند احساساتشان از دیگران و عواطف آن‌ها جدا می‌کنند (پلگ و پاپکو،

1. Ball
2. Cecero
3. Lumley
4. Harknes
5. Harris
6. Curtin
7. Muris
8. Jell

(۲۰۰۴) که این مقیاس نیز با خرده‌مقیاس‌های حوزه‌های طرح‌واره در بخش بازداری هیجانی، منفی‌گرایی/ بدبینی، استحقاق/ بزرگ منشی، انزوای اجتماعی/ بیگانگی و رهاشدگی/ بی‌ثباتی همپوشی دارد (جیل<sup>۱</sup> و همکاران، ۲۰۰۸).

از سوی دیگر مقیاس آمیختگی با دیگران با خرده‌مقیاس‌های وابستگی/ بی‌کفایتی و دیگر جهت‌مندی، اطاعت و ایثار در حوزه‌های طرح‌واره همپوشی دارد.

به نظر می‌رسد یکی دیگر دلایل ارتباط بین سازه‌های طرح‌واره‌ها و تمایز یافتگی، این است که هر دو حوزه ریشه در دوران کودکی و تاریخچهٔ فرد دارد که سبک تربیت و عوامل زمینه‌ساز می‌تواند سهم بالایی در شکل‌گیری این عوامل داشته باشد که پژوهش‌های ذکر شده در فوق نیز دلیل بر تأیید همین موضوع است.

استیل<sup>۲</sup> و همکاران (۲۰۰۸) معتقدند که عمده‌ترین دلیل تفاوت نتایج مطالعاتی در پژوهش‌هایی که در آن صفات شخصیتی تبیین می‌شود، ناشی از ابزاری است که در آن‌ها مورد استفاده قرار گرفته است. به عبارت دیگر مقیاس‌ها و پرسشنامه‌هایی که به لحاظ عنوان مشابه هستند، ممکن است ویژگی‌های کاملاً متفاوتی داشته باشند. از دیگر دلایل تفاوت بین یافته‌های پژوهش‌های مشابه، تفاوت‌های فرهنگی، اعتقادی، سیاسی، سنتی و ویژگی‌های منحصربه‌فرد جوامع مختلف است که پاسخ‌های متفاوتی در موقعیت‌های خاص می‌دهند و این عوامل می‌تواند شیوهٔ پاسخ به پرسش‌ها و نتایج را دگرگون سازد.

از سوی دیگر والش و هاریگان (۲۰۰۳) مطرح کردند که تمایز یافتگی در دو سطح پایه‌ای و عملکردی است ، ولی ارزیابی تمایز یافتگی افراد از طریق این پرسشنامه تفاوت در این دو سطح را آشکار نمی‌کند. با توجه به نتایج حاصل از یافته‌های این بخش از پژوهش، به نظر می‌رسد که سطح عملکردی تمایز یافتگی سنجیده شده است و این سطح نیز براساس آموزش روابط تغییر می‌کند. بنابراین، می‌تواند با سطح پایه‌ای که نشاط گرفته از دوران کودکی است، کمی متفاوت باشد؛ هرچند سطح عملکردی، بر سطح پایه‌ای اثرگذار است و سطح پایه نیز ریشه در دوران کودکی دارد (هام، ۲۰۰۵). در حالی که طرح‌واره‌های ناسازگار اولیه نسبت به تغییر مقاوم و خود-تداوم‌بخش هستند و در طی دوران کودکی و نوجوانی شکل می‌گیرند که معمولاً ناشی از تعامل سرشتی کودک و تجارب مختلف دورهٔ تحولی با اعضا یا مراقبان در خانواده هستند. همچنین توسط برخی تغییرها در محیط، از جمله فقدان یا از دست دادن شغل فعال می‌شوند و هنگامی که فعال شدند با سطوح بالای هیجان درهم آمیخته می‌شوند؛ در طول زندگی فرد گسترش می‌یابند و به‌طور قابل ملاحظه‌ای مختلف و ناکارآمد هستند (یانگ، ۲۰۰۳).

از منظر دیگر درمی‌یابیم، هنگامی که طرح‌واره‌های ناسازگار برانگیخته می‌شوند، افراد معمولاً سطح بالایی

از عواطف را نظیر خشم شدید، اضطراب، غم یا احساس گناه، تجربه می‌کنند (موریس، ۲۰۰۶). این شدت هیجان معمولاً ناخوشایند است. بنابراین، افراد فرایندهای خودکاری را برای اجتناب طرح‌واره در شکل سه فرایند شامل اجتناب شناختی (تلاش‌های خودکار برای توقف افکار و تصویرهای ذهنی که ممکن است طرح‌واره را برانگیزد) فرایند اجتناب عاطفی (تلاش خودکار یا ارادی برای بلوکه کردن احساس‌هایی که به‌وسیلهٔ طرح‌واره‌ها برانگیخته شده‌اند) و فرایند اجتناب رفتاری (گرایش برای کناره‌گیری از موقعیت‌ها یا شرایط واقعی زندگی که ممکن است طرح‌واره‌های دردناک را برانگیزد) خود را نشان می‌دهند (اندوز، حمیدپور، ۲۰۰۵؛ یانگ، ۲۰۰۳). از این‌رو، جبران طرح‌واره به جبران مضاعف طرح‌وارهٔ ناسازگار اشاره دارد. گاهی، برخی افراد سبک شناختی یا رفتاری را برمی‌گزینند که به نظر می‌رسد متضاد چیزی است که از طرح‌وارهٔ اولیه پیش‌بینی شده است. مثلاً برخی از بیماران که طرح‌وارهٔ محرومیت هیجانی دارند، ممکن است به شیوه‌های خودشیفته عمل کنند و در نهایت از اطرافیان خود دور می‌شوند (ماسن و همکاران، ۲۰۰۵).

با توجه به دلایل عنوان شدهٔ فوق تفاوت نتایج بخشی از پژوهش حاضر با برخی از دیگر پژوهش‌ها دور از ذهن نیست.





## References

- Anduz, Z., & Hamidpour, H. (2005). On the relationship between maladaptive schemata and marital attachment and compatibility style. Paper presented at the second congress of family pathology in Iran, May &, university of shahid beheshti, Iran.
- Ball, S., & Cecero, J. (2001). Addicted patients with personality disorders: Traits, shce-mas, and presenting problems. *Journal of Personality Disorders*, 15, 72-83.
- Blair, Tina. M. & Nelson, Eileen. S. & Coleman, Priscilla. K. (2001). Deception, power and self-differentiation in college student, romantic relationships, *Journal of sex & marital therapy*, volume 27, Issue 1, Pages 57-71.
- Bowen, G.L. & et. Al. (1997). Differentiation in spouses, perception of family adaption. *Journal of social behavioral personality*, vol. 12, Issue 17, p. 53-72.
- Bowen, M. (1978). *Family therapy in clinical practice*. New York USA: J. Aronson.
- Brown, Jenny. (1999). Emotional fusion and differentiation of self. *The FSI-Brown family systems*.
- Bradbury, T., Fincham, F., & Beach, S. (2008). Research on the nature and determinants of marital satisfaction: A decade in review. *Journal of Marriage and Family*. 62, 964-980.
- Castille, K., Prout, M., Marczyk, G., Shmidheiser., M., Yoder., & Howlett., B. (2007). The early maladaptive Schemas of Self-mutilators: implications for therapy. *Journal of cognitive psychotherapy: An International Quarterly*, 21.
- Chung, H. & Gale, J. (2006). Comparing self-differentiation and psychological well-being between korean and European-American students, *contemporary family therapy, An international Journal*, Vol. 28, Issue 3, p. 367-381.
- Chung, H. & Gale, J. (2009). Family functioning and self differentiation: A cross cultural examination. *Journal of contemporary family therapy*. Vol. 31, No. 7, p.19-33.
- Cockram, David. (2009). Role and treatment of early maladaptive schemas in Vietnam veterans with PTSD. Thesis for Doctor of clinical psychology. Murdoch University.
- Covert, M.V. et all (2003). Shame – proneness, guilt-proneness and interpersonal problem solving: A social cognitive analysis, *Journal of social and clinical psychology*. Vol, 22, 1-12.
- Daniel (2006). *Adult attachment patterns and individual psychotherapy: Areview*.
- Farrel, JM., Shaw, IA. & Webber, MA. (2009). Aschema- focused approach to group psychotherapy for outpatients with borderline personality disorder: a randomized controlled trial. *Journal of Behavior Therapy Experience psychiatry*, Vol, 25, 1-14.

- Gandy, P. (2008). A psycho educational group treatment model for dolescents with behavior problems based on and integration of Bowen theory (BT) and rational-emotive therapy (RET), Alliant international university, San Francisco Bay.
- Gibson, J.M., Donigan, J. (2006). Use of Bowen Theory. *Journal of Addiction & Offender Counseling* vol 14. Issue 1.
- Griffin, J.M. & Apostal, R.A. (1993). The influence of relationship enhancement training on Differentiation of self. *Journal of Marital and Family Therapy*, 19, 267-272.
- Ham, David. (2005). Parents and adolescent depression: evaluation of a model and intervention program for parents. Griffith university Australia.
- Harris, A.E., & Curtin, I. (2002). Parental perceptions, Early Maladaptive Schemas, and Deperessive Symptoms in Young Adults. *Cognitive Therapy and Research*, 26, 405-416.
- Jenkins, S. M., Buboltz, W.C., Schwartz, J.P. & Johnson, P (2005). Differentiation of self and psychological development *Contemporary Family Therapy*. 27, 249-252.
- Jill, L., Michiel, F., & Vreeswijk, A. (2008). An empirical test of schema model conceptualizations in personality disorders. *Behavior Research and Therapy*, 46, 854-863.
- Kim, K. & Sill. (2005). Self-differentiation, perceived family conflict and cultural values among Asian-American college students. Columbia university.
- Kurse, Natasha. (2007). The relationship between self Differentiation and levels of trust, shme and guilt in intimate relationship. A dissertation for the degree of Ph.D of philosophy, Los Angeles.
- Licht, C. & Chabot, D. (2006). The chaboat emotional differentiation scale: instrument for measuring A theoretically and psychometrically sound Bowen's intrapsychic aspect of differentiation, *Journal of marital and family therapy*. Vol 32, Issuse 2, p. 167-181.
- Lumley, M., & Harknes, K. (2007). Specificity in the Relations among Childhood Adversity, Early maladaptive schemas, and symptom profiles in adolescent depression, *Springer Science+Business Media*, 31, 639-657.
- Mason, O.Platts, H. Tyson, M. (2005). Early maladaptive schemas and adult attachment in a UK clinical population, 2005. The british psychology society.
- Mccullough, Byrd. R. (2005). The relationship among ethnic identity, differentiation of self and marital and partner satisfaction in Lation Americans. Columbia university. Proquest dissertation & peses. AAT3188769.
- Miller, R. & Keala, D.K. (2004). IS Bowen therapy valid? A review of basic research. *Journal of marital and family therapy*. Vol. 30, Issue 40, p. 453-469.
- Murdock, N.L. & Gore, P.A. (2004). Stress, coping & differentiation of self. A test of

- Bowen Theory Contemporary Family Therapy. 26(3), 319-335.
- Muris, P. (2006). Maladaptive schemas in non-clinical adolescents: Relations to perceived parental rearing behaviors, big five personality factors and psychopathological symptoms. *Clinical psychology & psychotherapy*, 13, 405-413.
- Mushrush, L. (2008). A Bowen family system perspective on first-year students, coping styles, adjustment to college and alcohol use. Gannon university. Proquest dissertation & theses.
- Pascal, A., Christine, A., Jean, L. (2008). Development and validation of the cognitive inventory of subjective distress. *International Journal of geriatric psychiatry*, 23, 1175-1182.
- Peleg & Popoko, O. (2005). Differentiation and test anxiety in adolescents. *Adolescence*. Vol. 27. p. 645-662.
- Peleg-popko, Ora. (2002). Bowen therapy: A study of Differentiation of self, social anxiety and physiological symptoms. *Contemporary of family therapy*, vol 24, Issue 2.
- Sandage, Steven J. and Jankowski, Pete J. (2010). Forgiveness, Spiritual Instability, Mental Health Symptoms, and Well-Being: Mediator Effects of Differentiation of Self. *Psychology of Religion and Spirituality*, Volume 2, Issue 3.
- Shursen, A. (2006). An exploration of the levels of differentiation of self capacity for intimacy between sex offenders and their partners: A theoretical and quantitative study. Texas woman's university, P. 124; AAT 3247554.
- Skowron, E.A. & Schmitt, T.A. (2003). Assessing interpersonal fusion: Reliability and validity of a new DSI fusion with others subscale. *Journal of marital and family therapy*, vol. 29, p. 209-222.
- Skowron, E.A. (2000). The role of Differentiation of self in marital adjustment. *Journal of counseling psychology*. Vol 47-229-237.
- Skowron, E.A. (2005). Parent differentiation of self and child competence in low-income urban families. *Journal of counseling psychology*, vol. 52, No. 3, p. 337-346.
- Skowron, Elizabeth A; Stanley, Krystal L. and Shapiro, Michael D. (2009). A Longitudinal Perspective on Differentiation of Self, Interpersonal and Psychological Well-Being in Young Adulthood. *Contemporary Family Therapy* Volume 31, Number 1, 3-18, DOI: 10. 1007/s10591-008-9075-1.
- Skowron, Elizabeth, A. (2004). Differentiation of self, personal adjustment, problem-solving and ethnic group belonging among persons of color, *Journal of counseling and development*, vol. 82, Issue 40, p. 447.
- Smith, Rod. E.M. SMFT. (2006). Differentiation of self, family therapy. Wordpress.com/2007/06/06/ differentiation of self.

- Steel, P., Schmidt, J., & Shultz, J. (2008). Refining the relationship between personality and subjective well-being *Psychological Bulletin*, 134, 138-161.
- Stiles, O.E. (2004). Early maladaptive schemas and intimacy in young adult's romantic relationships. Unpublished doctoral dissertation, Alliant International University, San Francisco [On-Line]. Available: [www.Proquest.com](http://www.Proquest.com)
- Theiler, S, (2005). The efficacy of early childhood memories as indicators of current maladaptive schemas and psychological health. School of social and behavioral, Australia.
- Thimm, J.C. (2010). Mediation of Early Maladaptive Schemas between Perceptions of parental Rearing Style and Personality disorder symptoms in adult outpatients. *Journal of Behavior Therapy and Experimental psychiatry*.
- Walsh, Josef & Harigan, Marcia. (2003). The termination stage in Bowen family systems theory. *Clinical social work journal*. Vol. 31. Issue 40.
- Young, J. (2009). Schema therapy for couples: new strategies to break therapeutic impasses.
- Young, J.E. Klosko, J., Wissher, ME. (2006). *Schema therapy. A practioners guid*. New York: Schemas Therapy Institute.